

خسروی کرمانشاهی، کرد جریان ساز

سارا رضاپور^۱

مهدی شریفیان^۲

چکیده:

داستان نویسی جدید ایران، ادامه‌ی طبیعی و منطقی ادبیات قرون گذشته‌ی ما نیست و در شیوه‌ی جدید داستان پردازی حتی کم‌ترین ردی از این تاریخ داستان‌گویی قرون گذشته یافت نمی‌شود. این مقاله، تلاشی است برای ارائه‌ی تاریخ مختصری از روند شکل‌گیری و تکامل رمان در ایران، بررسی دلائلی که موجب پیدایش رمان تاریخی در ظرف زمانی دوره‌ی مشروطه گشته و معرفی خسروی کرمانشاهی، نویسنده‌ی اولین رمان تاریخی فارسی و بررسی رمان شمس و طغرا. **واژگان کلیدی:** داستان، ادبیات، رمان، رمان تاریخی، مشروطه، خسروی کرمانشاهی، شمس و طغرا.

مقدمه:

رمان و گونه‌های رمان

رمان ژانری است که انسان بعد از رنسانس برای بیان احوال خود و جامعه خود برمی‌انگیزد. گزینش این قالب از سر هوا و هوس نیست، بلکه ضرورتی تردید‌ناپذیر او را به این کار وا می‌دارد. انسان بعد از رنسانس با شکستن بسیاری از بندها و رهایی از بسیاری باورهای کهن برای بیان خود دیگر نمی‌تواند در قالب‌های سنتی دیرین نظیر تراژدی و حماسه و حکایت و رومانس (خواه عاشقانه و خواه پهلوانی) محدود بماند. این انسان دیگر نه بازیچه‌ی هوس‌های خدایان و نیروهای ناشناخته است و نه حتی چهره‌ی نمادینی است که باید در خدمت اهداف نویسنده درآید. در ژانر رمان، شخصیتی که خلق می‌شود دیگر هویت و زبان و کنشی خاص خود دارد. حتی نویسنده هم که خالق اوست دیگر نمی‌تواند بیرون از الزامات این هویت و این زبان چیزی بر او تحمیل کند. شخصیت رمان، استوار بر فردیت خویش است. پس این شخصیت خواه هملت باشد و خواه دن کیشوت، همواره خود را ناگزیر از گزینش می‌بیند و این گزینش که با اعمال اراده‌ی آگاهانه همراه است به ناچار مسئولیت می‌آورد و فرد باید پذیرای پیامدهای آن باشد. در جهان رمان نه خدایان از آسمان به زیر می‌آیند و نه دستی از غیب به در می‌آید تا کاری بکند؛ حتی نویسنده هم نمی‌تواند آن چنان که در ژانرهای سنتی می‌دیدیم، بنابر اراده خود رویدادهایی جعل کند که در خور هویت افراد و شرایط زمانی و مکانی رمان نیست. بدیهی است که رسیدن به این شناخت از انسان حاصل تحولات فرهنگی و اجتماعی و سیاسی خاصی بود که اروپا در طول چند قرن بعد از قرون وسطی از سر گذراند و ما شکوفایی پرشکوه آن را در رمان‌های قرن نوزدهم و حتی هیجدهم می‌بینیم. برای مثال راسکولنیکوف داستایفسکی دیگر هیچ شباهتی با اورستس آیسخلوس یا زیگفرید یا آرتور شاه ندارد اما نویسنده ایرانی در سال‌های مقارن با مشروطه و حتی بعد از آن به راستی تا چه حد توانسته باورهای دیرین را کنار بگذارد و از یک سو چشم بر جلوه‌های فریبنده‌ی قالب‌های کهن فروبندد و از سوی دیگر برای پروردن انسان مدرن خود تا چه حد مدرن شده است؟ در واقع میزان «رمان بودن» نوشته‌هایی که از آن پس در ایران پدید می‌آید در گرو همین بینش و نگرش تحول یافته و این چیزی است که تا به امروز هم ادامه دارد. یعنی نمی‌توانیم از آن نویسندگان دوره‌های آغازین ادبیات مدرن خودمان انتظار داشته باشیم یک شبه این راه دراز را طی کرده باشند. این نگاه مدرن تا سال‌ها بعد از جنبش مشروطه هنوز شکل کاملی نگرفته و شاید بتوان گفت با حضور جمالزاده و مهم‌تر از او هدایت است که واقعیت رمان و داستان کوتاه در ایران معنا می‌یابد و مثلاً در چشمه‌های بزرگ علوی جلوه‌گر می‌شود. هر چند پیش از این‌ها در بعضی نمایش‌نامه‌ها و برخی شعرها مثل سه تابلوی مریم عشقی، رگه‌هایی از آن را احساس می‌کنیم.

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی - دانشگاه شیراز - واحد بین الملل

۲- دانشیار زبان و ادبیات فارسی - دانشگاه بوعلی همدان

"رمان (Novel) داستانی است بلند که در آن نویسنده مبتنی بر اطلاعات واقعی و عینی خود از شخصیت‌هایی که در ماجرای تاریخی - دینی - عشقی - پلیسی نقشی بر عهده دارند یا به مدد تخیل و قدرت هنری خویش به آفرینش اثری ادبی می‌پردازد و ضمن آن، روحیات، رفتار، گفتار و پندار شخصیت‌های مورد نظر را توصیف و تحلیل می‌کند." (رزم جو، ۱۳۷۰: ۱۷۵) رمان، نثری است بلند و روایت گونه که در آن قهرمان در رابطه با جامعه، محیط اطراف یا دوره‌ی زمانی خاصی مطرح می‌شود. در ارتباط با انواع رمان، باید گفت که تقسیم‌بندی‌های متفاوتی وجود دارد اما به طور کلی می‌توان آن را از سه حیث کلی بررسی نمود:

برحسب محتوا: ۱- رمان تاریخی (شمس و طغرا نوشته‌ی خسروی - سه تفنگدار نوشته‌ی الکساندر دوما - داستان سه شهر نوشته‌ی چارلز دیکنز)

۲- رمان اجتماعی (تهران مخوف)

برحسب شکل: ۱- رمان حادثه ۲- رمان شخصیت ۳- رمان مستند ۴- رمان مکاتبه‌ای ۵- رمان نو ۶- رمان تمثیلی ۷- رمان نمادین ۸- ضد رمان

برحسب شکل و محتوا: ۱- رمان تجربی ۲- رمان روانکاوانه ۳- رمان پلیسی

در مشروطیت ایران

داستان نویسی جدید ایران، ادامه‌ی طبیعی و منطقی ادبیات قرون گذشته‌ی ما نیست و در شیوه‌ی جدید داستان پردازی، حتی کم‌ترین ردی از این تاریخ داستان‌گویی قرون گذشته یافت نمی‌شود. داستان نویسی به صورتی که کمال یافته‌ترین نوع آن را در قالب رمان می‌شناسیم، مربوط به تاریخی است که تقابل جهان بینی نو و کهنه در فاصله‌ی زمانی اندکی در اروپا و در زمینه‌های فلسفه، دانش، هنر و ادبیات آغاز شده بود. از این زمان، رمان از رمانس فاصله می‌گیرد و عالم جادویی با جهان واقعی در ادبیات داستانی تفاوت می‌یابد «هرگاه دگرگونی‌هایی در قلمروهای متفاوتی مانند اقتصاد، آداب و رسوم، سیاست و دانش‌هایی پدیدار می‌شوند و آن‌گاه که این دگرگونی‌ها به گونه‌ای بریکدیگر تأثیر بگذارند که به صورت نظامی ظاهر شوند و چشم انداز نویی پیدا شود، در این صورت می‌توان از تغییر دوره سخن گفت اما این دگرگونی‌ها هرگز، یک باره در همه‌ی عرصه‌ها و در آستانه‌ی واحدی پدیدار نمی‌شوند.» (طباطبایی، ۱۳۸۴: ۱۶)

این تحولات و دگرگونی‌ها در ایران با انقلاب مشروطه همراه بود که عمیقاً می‌توان آن را به پوست اندازی تاریخی ایران تعبیر کرد؛ «به دنبال شکست ایران در جنگ‌های ایران و روس و آگاهی نو آیینی که در میان برخی از رجال ایرانی پیدا شده بود، کسانی از رجال اهل ادب که قائم مقام در صدر آنان قرار داشت و نیز برخی از اطرافیان او پی به این نکته برده بودند که دوران جدیدی در تاریخ ایران آغاز شده است.» (همان: ۲۷۵) و تمام تلاش آن‌ها معطوف بر این بود که تاریخ جدیدی را در ایران آغاز کنند.

با ظهور صنعت چاپ و مسافرت‌های فرنگ و پدیده‌ی ترجمه، باب جدیدی در زندگی ایرانی گشوده شده؛ سفرنامه نویسی و رساله‌های اجتماعی و سیاسی و آثار ترجمه شده، یکی از مهم‌ترین راه‌های آشنایی ایرانیان با اندیشه‌های مترقی و تجدّد خواهی بود. در عصر ناصری، شکافی بی سابقه در انسجام اجتماعی ایران رخ می‌نمود که مهم‌ترین پیامد آن به چالش کشیدن باورهای سنتی ایرانیان در ارتباط با سیاست، جامعه، تاریخ و ادبیات بود. گسست از مبنای ادبیات کلاسیک ایران، پیوندهای عمیقی با مبانی نظری و فکری ترقی خواهی و تجدّد در ایران برقرار کرد. این گسست و شکاف برای انقلاب تجدّد خواهی و نوگرایی ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شد. «ادبیات کلاسیک ایران بر محوریت فلسفه می‌چرخید... که مفهوم «فرد» از آن غائب بود... ادبیات جدید مکان پدیدار شدن «فرد» در دنیا است.» (همان، ۳۶۴)

همان طور که ذکر شد، فن ترجمه از عوامل موثر در رشد آگاهی و تحول اندیشه‌ی ایرانیان در سال‌های قبل از مشروطه بود؛ بنابراین در دوره‌ی بیداری و آگاهی ایرانیان، برخی از روشنفکران به تجربه‌ی جدیدی در سبک خاص

نمایش نامه‌نویسی و ترجمه‌ی رمان‌های اروپایی دست یازیده و باعث دگرگونی‌های عمیقی در حوزه‌ی ادبیات شدند به طوری که از آن زمان، انواع ادبی جدید در شعر و ادب فارسی راه یافت که در ادبیات کلاسیک ایران، تنها به صورت ادبیات شفاهی و عامیانه وجود داشت. خانلری در نخستین کنگره‌ی نویسندگان ایران چنین می‌گوید: «ایران پیرامون یک ملی‌گرایی نوین به وحدتی مجلد دست می‌یابد. ادبیات شیوه‌ی جدیدی برای بیان خود می‌یابد که دیگر منحصر به شعر که تا آن زمان تنها زبان ادبی مورد قبول بود، نیست بلکه در نثر نیز متجلی می‌گردد. عصرنویین ادبی تحت تاثیر پیدایش و شکوفایی نثر است.» (خانلری، ۱۳۴۶: ۱۲۵) افکار و اندیشه‌های جدید ترقی خواه و بیان آزادی در ایران به زبانی شفاف و نو نیاز داشت، حال آن که زبان فارسی آن دوره، سرشار از تکلف و دشواری بود؛ با این که در عصر قاجار، کوشش‌هایی برای پیدایش نثر فارسی با سردمداری قائم مقام فراهانی صورت گرفته بود اما تا نیمه‌های سلطنت ناصرالدین شاه قاجار، زبانی که ظرفیت درک دگرگونی‌های دنیای جدید را داشته باشد، وجود نداشت.

«آگاهی از ضرورت تکوین زبانی نو برای رویارویی با اندیشه‌های دنیای جدید، نخست در دوره‌ی بیداری پیدا شد و نظریه پردازان و نویسندگانی مانند میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا آقا تبریزی، میرزا آقاخان کرمانی، طالبوف تبریزی، میرزاملکم خان و زین العابدین مراغه‌ای در نوشته‌های خود به صراحت مشکل مندرس بودن زبان فارسی و ناتوانی آن در بیان اندیشه‌ی جدید را مورد بحث قرار دادند.» (طباطبایی، ۱۳۸۴: ۳۳۹)

رمان و داستان در اروپا، اگر بسیار موجز بگوییم، پیامد دورانی هستند که رنسانس تمام رازهای دنیا را کشف می‌کرد و در نتیجه‌ی این افسون زدایی، جهان نو هرروز کوچک تر از پیش می‌شد، رنسانس آغاز اندیشه‌ی ای بود که انسان در آن تصمیم گرفت کنترل جهان را از آسمان‌ها به زمین منتقل کند و مبنای هر چیزی را انسان قرار دهد. در چنین ببحوحه‌ای رمان به مثابه‌ی عصیان انسان علیه دنیا پا به عرصه‌ی وجود گذاشت.

«در کشورهای اروپایی، رمان هم چون مکان زایش ذهن و زبان جدید بود و هیچ یک از نمودهای فرهنگ و تمدن اروپایی به اندازه‌ی رمان، سهمی در تکوین ذهن و زبان جدید نداشت.» (همان: ۳۷۹)

در حقیقت رمان نویسی پدیده‌ای است مدرن که با مدنیت انسان رابطه‌ی تنگاتنگی دارد چنان که جلال ستاری معتقد است که: «رمان نویسی از نشانه‌های مدرنیته و چنان که گفته اند همزاد خود شهرنشینی است. دقیق تر بگوییم شهرنشینی، زمینه ساز رمان نویسی است و رمان نویسی، دستاورد شهرنشینی است.» (ستاری، ۱۳۸۵: ۲۳۷) به عبارت دیگر، طبقه‌ی متوسط شهری هم آفریننده‌ی رمان است و هم مخاطب اصلی آن.

نکته‌ی مهم این است که هر چند در اروپا ارتباطی مستقیم بین زایش تمدن جدید (شهر) و ادبیات جدید (رمان و داستان) برقرار است اما در ایران اوضاع به گونه‌ای دیگر رقم خورد؛ در ایران اندیشه‌ی جدیدی تولید نشد بلکه در اواسط دوران قاجار به واسطه‌ی سفرنامه‌ها، ترجمه‌ها و مسافرت‌ها، تصویری از فرنگ وارد شد و بر اثر همین برخورد فرهنگی، نوعی تحول دامنه دار و البته نوعی تأخیر فرهنگی هم فراهم آمد. «پیدایی مفاهیم جدید در عصر قاجار، عصر آشنایی‌های جدی ما با مدنیت و فرهنگ غربی، هم کلمات و تعبیرات تازه‌ای بر ذخیره‌ی واژگان زبان فارسی می‌افزود و هم مفاهیم و ترکیبات کهن را دستخوش تحول و دگرگونی می‌کرد. «وطن»، «دولت»، «ملت»، «ملی»، «آزادی»، «عدالت» و... کم کم از مفاهیمی که در گذشته داشتند فاصله می‌گرفتند و به مفاهیم و معانی تازه‌ای به کار می‌رفتند که آن معانی و مفاهیم در گذشته‌ی فرهنگ و زبان ما سابقه نداشت.» (آجودانی، ۱۳۸۳: ۷) رمان‌هایی مانند شمس و طغرا، تهران مخوف یا حتی کتاب سیاحت نامه‌ی ابراهیم بیگ، بیشتر انتقاداتی بودند پراکنده بر اوضاع سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و در تمام آثار مشروطه، حس میهن‌پرستی و وطن دوستی شعله ور است و نگرانی از وضعیت ایران، ابراز تاسف بر اوضاع آن زمان، نا به سامانی و بی‌سرانجامی ایران در تمامی آثار داستانی آن دوره به چشم می‌خورد. چند تحول عمده‌ی تاریخی راه را برای پیدایش رمان فارسی هموار ساخت:

«۱- فردیت و هویت یافتن افراد ملت هم زمان با رشد طبقه‌ی متوسط.

جدایی هنرمند از حامیان درباری و اشرافی

فراهم آمدن امکانات فنی چاپ» (میر عابدینی، ۱۳۷۷: ۲۲)

هم چنین ترجمه‌هایی که مترجمان از رمان‌های اروپایی به دست می‌دادند، بسیار مفید و موثر واقع شد؛ چرا که مترجمان اصول ساده نویسی را رعایت کردند و در نتیجه زبانی ساده و صمیمی و خالی از هرگونه تعقیدهای لفظی و معنوی به وجود آمد که تأثیر به‌سزایی بر قلم رمان نویسان ایرانی گذاشت که از آن میان، ترجمه‌ی حاجی بابای اصفهانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. هم چنین «پیدایش رمان ایرانی محصول معنوی تفکرات مشروطه خواهانه است. هر مرحله‌ی تازه‌ی تاریخی، شکل‌های بیانی جدید و مورد نیاز خود را می‌طلبد... آفریده شدن رمان فارسی در این دوره نشان‌دهنده‌ی تغییری پر دامنه در رابطه‌ی انسان ایرانی و جهان و مقام فرد در جامعه است.» (همان، ۲۱)

ویژگی‌های سبکی نثر مشروطه

نثری که در آثار عصر مشروطه کاربرد دارد، چیزی است بینابین نثر دوره‌ی قاجار و عهد پهلوی.

شخصیت‌های تأثیرگذار: آخوندزاده - طالبوف تبریزی - ملک‌خان - میرزا حبیب اصفهانی - زین العابدین مراغه‌ای - میرزا آقاخان کرمانی - امین الدوله و اعتماد السلطنه (دو مورد اخیر در زمینه‌ی تاریخ نگاری)

نخستین نویسندگان:

آخوندزاده: در مکتوبات کمال الدوله، کوشید طرحی ساده از اندیشه‌ی نوگرایی، آزادی خواهی، فلسفه و علم جدید در دسترس خوانندگان قرار دهد. البته وی تسلط کاملی به زبان فارسی نداشت اما آغاز نمایش نامه نویسی با وی بود.

طالبوف: اگر آخوند زاده را اولین نویسنده‌ی ایرانی بدانیم که اثر او به زبانی غیر از فارسی، تدوین و سپس ترجمه شده، لزوماً باید از طالبوف که نوشته‌ای نزدیک به رمان و به زبان فارسی از وی باقی مانده، نام برد. طالبوف با نوشته‌های خود، در بیداری و آگاهی مردم می‌کوشید و آن‌ها را با معایب حکومت استبدادی و لزوم مشروطه آشنا می‌ساخت.

زین العابدین مراغه‌ای: با سیاحت نامه‌ی ابراهیم بیگ که آن را نوعی رمان اجتماعی می‌توان محسوب کرد، گامی بزرگ در راه پیدایش زبان فارسی برداشت. «وی در شمار نخستین منتقدان جدی شیوه‌های ادبی کهن و تکرار آن در دوران جدید نیز هست.» (طباطبایی، ۱۳۸۴: ۳۴۶)

محمدباقر میرزا، متخلص به خسروی: نویسنده، ادیب، مبارز و شاعر کرمانشاهی که اولین رمان تاریخی ادبیات فارسی به قلم وی خلق شده. هم چنین کتاب شمس و طغرا اطلاعات مفیدی در باب جغرافیای شهرها، آداب و رسوم، پوشش، تشریفات درباری و... به خواننده ارائه می‌دهد. وی مؤسس انجمن ولایتی کرمانشاهان نیز هست.

شیخ موسی کبودرآهنگی: نویسنده‌ی رمان عشق و سلطنت یا فتوحات کوروش کبیر.

میرزا حسن خان بدیع نصرت الوزراه: چاپ رمان داستان باستان و شمس الدین و قمر.

صنعتی‌زاده‌ی کرمانی: چاپ رمان داستان مانی نقاش و دام گستران فروک.

به دلیل جوّ سیاسی خاص دوره‌ی مشروطه، رمان‌های جدید ایرانی، لباس اجتماعی - انتقادی به تن می‌کنند و از زبان شخصیت‌های خود به بیان آلام و امیدهای مردم می‌پردازند و به دلیل نوپایی و بی تجربگی و خامی قلم، مسائل و مشکلات جامعه را با صراحت بسیار و پیچیدگی کم مورد بازتاب قرار می‌دهند. در واقع، رمان ایرانی در دوران سیاه و مملو از سرخوردگی به وجود می‌آید چرا که جامعه از وقوع جنگ جهانی، بیماری‌های واگیردار، فقر و فساد دستگاه حکومتی و... به تنگ آمده است به گونه‌ای که «بحث از قانون آزادی و عقب ماندگی ایران و توجه به غرب، از مختصات فکری این دوره است» (شمیسا، ۱۳۷۷: ۲۴۳)

شکل گیری رمان تاریخی

در عصر مشروطه، بیشترین رویکرد نویسندگان به رمان‌های تاریخی بود؛ چرا که از سویی نوعی باستان‌گرایی و روحیه‌ی کاوشگرانه در شناخت هویت گذشته میان آن‌ها حاکم بود و از سوی دیگر به دلیل اختناق و اوضاع بسته‌ی سیاسی، نوشتن رمان تاریخی خطر کمتری در برداشت. پس از طالبوف و زین العابدین مراغه‌ای، در سال‌های ۱۳۰۰-۱۲۸۴ که مردم برای به سرانجام رساندن انقلاب مشروطه می‌کوشیدند و جنبش ضداستعماری در گوشه و کنار مملکت به راه افتاده بود، رمان تاریخی به عنوان مطرح‌ترین گونه‌ی ادبی رخ نمود. «جستجوی هویت و امنیت، مهم‌ترین عامل پیدایش رمان تاریخی ایران در این برهه از زمان است.» (میرعابدینی، ۱۳۷۷: ۲۸) بنابراین می‌توان ادعا کرد که رمان تاریخی عصر مشروطه، بهانه‌ای است تا به وسیله‌ی آن هر طبقه‌ی اجتماعی درگیر در جامعه از دید خود این هویت یاد شده را طلب نماید.

البته نویسندگان رمان تاریخی به دلیل بی‌تجربگی و بدیع بودن این قالب، در نگارش رمان‌ها بیشتر به داستان توجه داشتند و هر جا که احساس خلاء می‌کردند به تاریخ نیز گریزی می‌زدند. تمامی رمان‌های تاریخی مشروطه از لحاظ تکنیک و عناصر داستان با معیارهای منطقی قصه‌نویسی و شگردهای داستان‌پردازی فاصله‌ی بسیاری دارند. در رمان تاریخی عواملی هم چون قدرت تخیل و توصیف نویسنده در خلق تصاویر زنده از یک عصر تاریخی، عنصر مهمی محسوب می‌گردد. در حقیقت «اساس رمان‌های تاریخی را پندار گرایی رمانتیک و قهرمان پرستی احساساتی به منظور گسترش مفاهیم شرف و افتخار تشکیل می‌دهد.» (همان، ۴۸)

البته این گونه‌ی جدید در بدو ورود مشکلات و مسائل مختلفی نیز با خود همراه داشت از جمله ضعف داستان‌پردازی، به کارگیری اسلوب نگارشی سنتی، بی‌دقتی‌های فاحش در نقل رویدادهای تاریخی، وجود قهرمانان اغراق‌شده و یک بعدی (یا شخصیت خوب خوب یا بد بد) از نشانه‌های مهم رمان‌های تاریخی عصر مشروطه است. رمان تاریخی عصر مشروطه به دلیل نارسایی‌ها و ضعف‌های وجودی خود که نتوانست منطبق با جریان‌ات روز حرکت کند، بعد از مدتی رو به افول نهاد. نیما یوشیج در سال ۱۳۱۲، درباره‌ی این افول می‌گوید: «امروز دیگر رمان نویسی، مخصوصاً رمان تاریخی روبه انحطاط و زوال می‌رود... علت آن شکل مناسبات اجتماعی است که تغییر می‌کند و بر اثر آن تغییر، وضع فکر و روحیات مردم - نویسنده هم که جزو مردم است - تغییر می‌کند.» (همان، ۵۰) می‌توان سخن نیما را این گونه تبیین نمود که کم‌توجهی به رمان تاریخی تنها به تنگناهای زندگی مربوط نیست بلکه این بی‌دقتی رمان‌نویسان به رویدادهای زمان خود است که باعث دل‌سردی و دوری مخاطب از این ژانر ادبی می‌شود. داشتن گذشته‌ای پرمایه و با صلابت خوب است اما درجا زدن در گذشته و تفاخر بیش از حد به آن مطلوبی نیست که خیلی بتوان با دیده‌ی افتخار به آن نگرست. آدمی هم چون جهان و هستی، مدام در حال دگرگونی و تازه شدن است و اندیشه‌ها و افکار نیز تغییر می‌کنند. حسرت گذشته را خوردن و به حال و آینده بی‌توجه ماندن، نتیجه‌ای جز واپس ماندگی در بر ندارد.

محمدباقر میرزا، پرچمدار رمان تاریخی :

نگاهی گذرا بر تاریخ معاصر ایران نشان می‌دهد که دست کم در صد سال اخیر، کرمانشاه همواره مرکز نوگرایی و مدرنیزاسیون غرب ایران بوده است. پس از دوران پرگوش و خروش مشروطه که کرمانشاه پرچم دار مبارزات آزادی خواهانه مساوات طلبانه‌ی ایرانیان در غرب کشور بود، در دوران رضا شاه پهلوی در پی ورود غربیان به ایران، کرمانشاه مرکز استقرار آنان در غرب ایران بود. چنین ارتباطاتی از چند جهت تحولاتی را در شهر سامان داد؛ از نظر شهری نخستین هتل‌ها تاسیس شد، ایستگاه رادیو سر درآورد و... از سوی دیگر تماس مستقیم اهالی با غربیان نیز پیامدهایی به همراه داشت. از جمله بیداری فکری و ظهور روحیه‌ی ضد استعماری. شهر کرمانشاه نقش تعیین کننده‌ای در مبارزات ملی شدن صنعت نفت بر عهده داشت و نخستین مطبوعات غرب ایران در کرمانشاه تاسیس شدند. تعدد تعداد نویسندگان و هنرمندان این شهر نیز گواه دیگری بر این مدعاست که کرمانشاه به نوعی مرکز فکر

مدرن در غرب ایران بوده است. در مقاله‌ی حاضر ما به بررسی رمان شمس و طغرا، اولین رمان تاریخی ایران می‌پردازیم که به قلم خسروی کرمانشاهی نگاشته شده است.

محمدباقر میرزا متخلص به خسروی، تولد: (۱۲۶۶) کرمانشاه مرگ: (۱۳۳۸) تهران

آثار:

دیباچه‌ی خسروی: در شرح حال ادبای عرب و سیر شاعری در دوره‌ی قبل و بعد از اسلام که مشتمل بر سی هزار بیت است.

رمان شمس و طغرا: در سه جلد: شمس و طغرا، ماری ونیسی، طغرل و همای؛ شامل وقایع زمان اتابکان فارس، مخصوصاً آبش خاتون که در سال ۱۳۲۵ قمری نوشته شده و یک سال بعد در سال ۱۳۲۶، به همت معتضدالدوله کرمانشاهی طبع شده، قابل ذکر است که این رمان، کمی بعد از انتشار، در زمان خودش نایاب شد.

رمانی در شرح احوال حسینقلی خان جهانسوز، سردار قاجار که چگونگی تاسیس و نیرومندی و سلطه‌ی این سلسله در آن به خوبی مشهود است.

رساله‌ی تشریح العلل: در مورد زحافات عروض که با زبانی ساده، پیچیدگی‌های عروض را تبیین می‌کند. **اقبال نامه:** که یک باب آن در ارتباط با تاریخ احوال خاندان غفاری و اقبال الدوله‌ی کاشانی از خاندان‌های معروف ایران است و باب دوم، حاوی شرح حال و منتخب اشعار بیست نفر شاعر که اقبال الدوله را در ایام حکومتش در کرمانشاه، مدح کرده اند. اهمیت ادبی این مجموعه به دلیل وجود تذکره‌ی چندین شاعر کرمانشاهی است که در هیچ تذکره‌ی دیگری دیده نمی‌شود.

ترجمه‌ی کتاب الهیئه و الاسلام: تألیف سید محمدعلی شهرستانی که در آن آیات و احادیث و اخبار اسلام را با هیئت جدید منطبق کرده و ثابت نموده که آن چه به وسیله‌ی اسباب و آلات جدید کشف شده و می‌شود، نزد ائمه‌ی اسلام روشن بوده و در کلامشان اشاره و تصریح به آن هست.

دیوان اشعار خسروی: که در سال ۱۳۰۴، در تهران منتشر شده است.

ترجمه‌ی داستان عذرای قریش

همچنین خسروی از تألیفات خود، مجموعه‌ای دارد که در بر گیرنده‌ی تصحیح و استنساخ کتب بزرگان است اما به دلایلی نامعلوم، هرگز آن‌ها را منتشر نساخت.

تنها شرح حالی که از خسروی در دست است، شرحی است که در پایان تذکره‌ی اقبال نامه و به خواهش اقبال الدوله‌ی غفاری نگاشته است. این تذکره در سال ۱۳۱۹ هجری قمری تألیف شده است.

شواهد، حاکی از این است که خسروی از طبع شعری نسبتاً خوبی برخوردار بوده اما در ابتدا با مخالفت پدرش روبه رو گردیده: «چون از آغاز سن تمیزم، طبع به سخن منظوم مایل بود، گاه بیتی یا دو بیت از آن سر بر می‌زد و پدرم از آن کار منع می‌فرمود و می‌گفت: شعر سست و سبک سرودن، خود عیب و نقصی است و سخسته و نیکوش نیز در این عهد، هنری نباشد.» (خسروی، ۱۳۸۵: ۶) اما با ترغیب حسین قلی خان سلطانی کلهر، شاعر و فاضل کرمانشاهی، به سرودن شعر پرداخت و تخلّص «خسروی» را برای خود اختیار نمود.

با آغاز مشروطه، خسروی با ذهن باز و روشنگرش، افکار و اندیشه‌های خود را در ظرف زمان ریخت و علی‌رغم کارشکنی‌ها و مخالفت‌هایی که بر علیه نظام فکری مشروطه وجود داشت، وی در بیان و ابراز عقاید و اهداف خود ثابت قدم ماند و به تأسیس «انجمن ولایتی کرمانشاهان» اقدام نمود. تحولات و پی آمدهای مشروطه، وی را چندین بار مجبور به ترک کرمانشاه کرد اما به محض برپایی ثبات نسبی، دوباره به شهر باز می‌گشت و فعالیت‌های خود را پی می‌گرفت. در هنگامه‌ی جنگ جهانی که ایران به کانال عبوری و عرصه‌ی لشکرکشی دولت‌های انگلیس و روسیه تبدیل شده بود، خسروی برای اجتناب از اسارت روس‌ها، مدتی را در کوه و صحرا با عشایر گذراند اما پس از مدتی با مراجعه به شهر، «به محض ورود، او را گرفتند و در محبسی که شرح آن را در قصاید خود آورده، جای دادند. مدتی گرفتار بود تا این که روس‌ها اراده کردند وی را به سیستان بفرستند.» (همان، ۱۲)

اما تغییر رأی دادند و او را در زندان همدان، حبس نمودند. بعد از گذشت دو ماه بر اثر مساعدت حاکم همدان، امیر افخم، وی رهایی یافت و مشروط بر این که از تهران خارج نگردد، به تهران تبعید شد. خسروی باقی عمر خود را در تهران به مطالعه و معاشرت با فضلا سپری کرد و سرانجام در ۱۶ ربیع الاول ۱۳۳۸ و بر اثر درد سینه، بدرود جهان گفت. ملک الشعراى بهار از جمله کسانی است که در رثای او شعری سروده است.

زمینه‌ی بحث (معرفی داستان به شکل اجمال)

داستان شمس و طغرا از اردی بهشت سال ۶۶۷ هجری، سال سوم حکومت آتش خاتون، عروس هولاکو، آخرین اتابک از سلسله‌ی سلغریان و دختر اتابک سعدبن ابوبکر در فارس اتفاق می‌افتد. رمان در سه جلد تدوین شده که در برگزیده‌ی: جلد اول: شمس و طغرا، جلد دوم: ماری ونیسی، جلد سوم: طغرل و همای می‌باشد. مکان وقوع این رمان، خطه‌ی فارس و مخصوصاً شیراز است و شفافیت، صحت و درستی توصیف‌های خسروی بالاخص در توصیف بناهای قدیمی، نتیجه‌ی مشاهدات دقیق و شخصی وی می‌باشد «این رمان‌ها هر چند بعدها در یکی از مزارع ماهی دشت کرمانشاهان تحریر یافته، لیکن ره آورد سفر فارس باید محسوب بشود.» (خسروی، ۱۳۸۵: ۱۰) و سپس تبریز و آذربایجان که محل جابه جایی اردوگاه سلطان مغول است. این دو مکان می‌توانند نماد و مظهر دو قدرت سیاسی تلقی گردند: یک حکومت ملی و ایرانی که سست و ضعیف عمل می‌کند، یک حکومت قدرتمند اما بیگانه به سرپرستی مغول‌ها. «این عدم توازن که به نفع قدرت سیاسی مغول است، از طریق عدم توازن دیگری (با هدفی کاملاً عقیدتی که این رمان را دریافت معاصر خود قرار می‌دهد،) ضعف حکومت قاجار در مقابل قدرت‌های اروپایی (جبران می‌شود.» (بالایی، ۱۳۷۷: ۵۰۸) زیرا تمام توجه خسروی بر منطقه‌ی فارس متمرکز شده اما ناحیه‌ی تحت کنترل مغول، تنها چند فصل از رمان را به خود اختصاص داده است. از همین مقایسه‌ی زیرکانه‌ی تطبیقی خسروی، می‌توان به نبوغ و آزادگی اندیشه‌ی وی پی برد. با تمام کاستی‌های رمان‌های دوره‌ی مشروطه، به راستی می‌توان اذعان داشت که رمان شمس و طغرا در میان دیگر رمان‌های تاریخی صدر مشروطه از نظر زبان و مضمون بی نظیر است. نویسنده در نگارش این رمان با پیروی از مسلک نثر نویسندگان قدیم، مصرع یا بیت‌هایی را به مناسبت موضوع در نثر خود گنجانده که در پاره‌ای از موارد، به زیبایی اثر او افزوده است.

رمان شمس و طغرا : نمایش نمایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی جلد اول: شمس و طغرا

شمس، بزرگ زاده‌ای است که به همراه پدر برای استقبال از انکیانو- امیرمغول - به شیراز می‌آید. آتش سوزی که در بازار رخ داده و به خانه‌ی التاجو بهادر، سرکرده‌ی مغولان که تازه مسلمان شده، سرایت کرده، موجب می‌شود تا شمس برای کمک و رهایی بخشیدن دختر التاجو و دایه‌ی پیرش، اقدام نماید و از آن جا است که بین شمس و طغرا دل بستگی و عشق شکوفا می‌گردد. جلد اول، شامل رفع موانع ازدواج شمس و طغرا و سختی‌ها و دشواری‌های پیش آمده است. کشف گنج عضدالدوله‌ی دیلمی، جد شمس، باعث ثروت و مکتب شمس می‌شود. رفتار وی با مردم بر پایه‌ی حسن خلق و بخشندگی و تواضع استوار است و همه او را دوست می‌دارند. هم چنین با هنرنمایی در شکار و شمشیر بازی و تیراندازی، مورد عنایت و توجه سلطان واقع می‌شود. پدر طغرا کشته می‌شود در حالی که در وصیت نامه‌ای که از خود به جا گذاشته، طغرا را به شمس سپرده است. شمس از آباقاخان که دلباخته‌ی طغرا است، وی را به مصر می‌فرستد تا خود نیز بعداً به او بپیوندد اما کشتی اش توسط فرنگیان به اسارت برده می‌شود. سلطان که می‌پندارد طغرا خواهر شمس است به او وعده‌ی نجات شمس را می‌دهد اما پسرش، محمد، عاشق طغرا شده. شمس با ارائه‌ی نامه‌ی شیخ سعدی، حقیقت را نزد سلطان فاش می‌کند؛ سلطان نیز آن‌ها را با هدایایی نفیس و کنیزکی ظریفه نام و جاریه‌ی زیبایی به نام ماری راهی می‌کند.

جلد دوم: ماری ونیسی

در جلد دوم، داستان با حوادث عشقی و تاریخی جدیدی ادامه می‌یابد. شمس و طغرا در شیراز ازدواج می‌کنند. هم چنین مقدمات ازدواج پدر شمس با مادر طغرا، ماری با امیر شبانکاره، مریم رومی با امیدوار، ظریفه با خرم، فراهم می‌گردد. ماری نزد امیر شبانکاره اعتراف می‌کند که دل بسته‌ی شمس است و از او جدا می‌شود. شمس نیز دلباخته ماری می‌گردد و طغرا، ماری را به ازدواج شوهر خود در می‌آورد. آتش خاتون، ملکه‌ی زیبای فارس که از دیرباز دل در گرو عشق شمس دارد، با وی هم بستر می‌شود و سپس برای سبک کردن بار گناه، اصرار می‌ورزد تا شمس او را به خود حلال کند و شمس نیز با موافقت دو همسرش، وی را به عقد خود در می‌آورد. طغرا بر اثر وقوع زمین لرزه‌ای می‌میرد. شمس سوگوار است اما تولد فرزند ماری به او دل گرمی تازه‌ای می‌بخشد.

جلد سوم: طغرل و همای

جلد سوم رمان، شامل سرگذشت طغرل و شرح دلباختگی وی به همای، دختر پیشکار آتش خاتون است؛ هم چنین ارغون خان، فرمان پادشاهی فارس را به نام سید عمادالدین نوشته و آتش خاتون را به اردو می‌خواند. وی در رفتن درنگ می‌کند و عمادالدین توسط غلامان آتش خاتون کشته می‌شود. آتش خاتون خون بهای عمادالدین را می‌پردازد اما خود نیز بر اثر فشارهای روانی می‌میرد. طغرل و همای نیز ازدواج می‌کنند و کتاب با دیدار شمس و سعدی که در بستر بیماری گرفتار است و در گذشت وی پایان می‌یابد.

تحلیل محتوایی داستان شمس و طغرا**سرگذشت در داستان:**

رابطه‌ی میان داستان و سرگذشت در رمان‌های گوناگون، متفاوت است؛ سرگذشت در دو محور قابل بررسی است: ابتدا داستان‌هایی که زندگی قهرمان داستان را از بدو تولد یا دوران کودکی وی آغاز می‌کنند (مانند تولد طغرل، بخش سوم رمان شمس و طغرا) این سرگذشت‌ها یا با مرگ قهرمان به پایان می‌رسند یا با ماجراهای دیگری ادامه پیدا می‌کنند. برخی از این رمان‌ها نیز از چند سرنوشت تشکیل شده‌اند: «داستان شمس و طغرا از یک سرگذشت مرکز یعنی سرگذشت شمس تشکیل می‌گردد که چندین سرگذشت مجاور دیگر به آن ملحق می‌شوند.» (همان، ۴۵۰)

تخیل: هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی

عنصر تخیل نیز در رمان‌های تاریخی جایگاه ویژه‌ای دارد؛ با این که نویسنده برآن است تا یک رویداد تاریخی را محور اثر خود قرار دهد اما عامدانه تلاش می‌کند تا رمانی درباره‌ی تاریخ بنویسد یعنی خلق یک رمان تخیلی. خسروی نیز گرچه بخش‌هایی از رمان خود را وابسته به تاریخ می‌نویسد اما به خوبی می‌توان تمایل وی را به خلق دنیای دیگری با شخصیت‌های مورد علاقه‌ی خودش حس کرد.

نظم داستان:

در رمان شمس و طغرا، نویسنده نظم خطی مشخصی را پی می‌گیرد و قدم به قدم به شرح حوادث می‌پردازد «به استثنای پایان جلد اول، هنگامی که مسیحیان شمس را اسیر می‌کنند و به آتن می‌برند، راوی در این جا داستانش را به دو رشته تقسیم می‌کند و آن دو را به موازات یکدیگر پیش می‌برد: زندگی شمس در آتن تا زمان آزاد شدن او و زندگی طغرا در بارگاه سلطان مصر» (همان، ۴۵۳) به دلیل این که شمس و طغرا اولین تجربه‌ی رمان نویسی ایران بود، طبیعی است که نویسنده از شیوه‌ی روایت خطی ساده سود جسته چرا که هنوز تکنیک‌های پیچیده‌ی روایت همچون روایت دایره‌ای، روایت عمودی، جریان سیال ذهن، شخصیت پردازی‌های چند بعدی و ظهور قالب ضد قهرمان و حتی نگارش ضد رمان در رمان نویسی غرب نیز که الگوی مصرفی رمان نویسان ایران بود، چندان به قلم تجربه‌در نیامده بود؛ به همین دلیل شمس و طغرا از روایت و طرح و نظم ساده‌ای برخوردار است که مخاطبان این رمان را در دایره‌ی وسیع تری قرار می‌داده و ارتباط با رمان را ساده تر می‌کرده است.

آغاز و پایان داستان:

شروع داستان در رمان‌های گوناگون، متفاوت است. در برخی از رمان‌های تاریخی و اجتماعی، ابتدا نویسنده به نگارش مقدمه‌ای مختصر یا مفصل می‌پردازد و محورهای زمانی و مکانی را مشخص می‌نماید؛ این مقدمه چینی به پیش آگاهی اولیه خواننده کمک می‌کند تا با تحلیل و آنالیز زمان و مکان شخصیت‌ها به درک داستان نائل آید. گروهی دیگر نیز بلافاصله خواننده را بدون ذکر هیچ گونه مقدمه‌ای به داستان پرتاب می‌کنند. «برخی نیز به گونه‌ای (آستانه‌ی ورودی) روی می‌آورند که همان داستان - چارچوب است و جریان زمان را واژگونه می‌کنند یعنی داستان سرگذشت را از پایان سرگذشت شرح می‌دهند.» (همان، ۴۵۵) گونه‌ای دیگر از داستان‌ها هم در میانه‌ی رویدادها و اتفاق‌ها آغاز می‌شوند و زمانی که تأثیرش آشکار شد، خواننده را به علل و منشاء رویدادها هدایت می‌کنند و سپس گام به گام و بدون هیچ شتاب زدگی به نقطه‌ی شروع داستان می‌رسند. «تمام این گسستگی‌ها در زمان سرگذشت، نشانه‌های بدیع داستان و ریزه کاری‌های راوی در پیکربندی زمان هستند و نشان می‌دهند که در رمان فارسی، برداشت زمان و نقش آن در ساختار روایی، کاملاً تغییر کرده است.» (همان، ۴۵۵)

رمان شمس و طغرا از جمله رمان‌های تاریخی است که با مقدمه و شرح طولانی آغاز شده به گونه‌ای که نویسنده، بخش اول رمان را اختصاص داده به تاریخ شیراز، سلجوقیان و اتابکان فارس. در بخش دوم، رمان آغاز می‌شود و خواننده از زمان و مکان و قهرمان داستان، مطلع می‌گردد:

«در سنه‌ی ششصد و شصت و هفت هجری سال سیم پادشاهی آبش خاتون در ماه اردی بهشت که برون و درون شیراز نمونه‌ای از بهشت بود، روزی هنگام عصر در یکی از کوچه‌ها و نزدیک به سرای اتابکی، جوانی مقابل درب خانه قدیمی بر درخت سرو کهنه‌ای تکیه کرده...» (خسروی، ۱۳۸۵: ۲۶)

همان طور که می‌بینیم، داستان براساس شیوه‌ی معرفی رمان‌های اروپایی قرن ۱۹ آغاز می‌شود و نویسنده طبق سنت داستان‌های قدیمی و کلاسیک فارسی، شخصیت اصلی داستان را با تفصیل توصیف می‌نماید و وی را به تمامی محاسن اخلاقی و صفات نیک و زیبایی ظاهری می‌آراید. سپس شخصیت دوم، خرم، نوکر و مربی با وفای شمس به جریان داستان وارد شده و نویسنده عقاید خود در مورد شیراز و ساکنانش را از زبان خرم بیان می‌کند و بازیرکی هرچه تمام تر، گریزی به مغولان که فرمان روایان ایران آن زمان بودند می‌زند و ذهن خواننده را برای درک حوادث بعدی و عشق شمس به یک دختر مغول، آماده می‌سازد. در جلد دوم (ماری و نیسی) هم چون جلد اول، خسروی مقدمه‌ای تاریخی درباره‌ی ونیز با عنوان «ونیز یا ونیس» می‌آورد و سپس در بخش دیگری با «ملاقات دو عاشق در قاهره» داستان خود را پیش می‌برد. در جلد سوم نیز (طغرل و هما) خسروی باز هم طبق روال کار خود، ابتدا توضیحاتی درباره‌ی تاریخ فارس در دوره‌ای که داستان طغرل و هما اتفاق می‌افتد، ارائه می‌دهد و سپس به شرح ماجرای پسر شمس (طغرل) و دختر نظام الدین مغول (هما) می‌پردازد. درحقیقت می‌توان گفت که خسروی در آغاز بخش‌های هر جلد، ابتدا نقش یک مورخ را ایفا می‌کند و بعد از آن که وظیفه‌ی راه‌گشایی خواننده را به اتمام رساند، به نقش نویسنده و راوی داستان باز می‌گردد.

شخصیت پردازی:

شخصیت‌های محوری:

شمس: حسن، ملقب به شمس الدین، پسر خواجه فخرالدین ابوالحسن دیلمی که قهرمان اصلی رمان است
طغرا: دختر التاجو بهادر مغول، دلدادگی شمس که می‌توان او را قهرمان استثنایی رمان دانست چرا که آن چه برایش اهمیت دارد، وفاداری دل‌ها است نه جسم و به همین دلیل بدون هیچ تردیدی، آبش خاتون و ماری را نیز در عشقش سهیم می‌سازد.

آبش خاتون: عروس هولاکو و دختر اتابک سعدبن ابوبکر که گرفتار عشق شمس می‌شود.

ماری ونیسی: جاریه‌ای که سلطان به شمس و طغرا هدیه داد و دل‌باخته‌ی شمس می‌گردد.
 طغرل: پسر شمس و ماری که عاشق هما است.
 هما: دختر پیشکار ملکه آیش خاتون و دلداده‌ی طغرل

برخی از شخصیت‌های فرعی:

شیخ سعدی: مخفیانه شمس و طغرا را به عقد هم در می‌آورد و رمان با مرگ او پایان می‌یابد.
 خرم: نوکر و مربی وفادار شمس که با دایه ازدواج می‌کند.
 دایه: کلفت و ندیم وفادار طغرا.
 التا جوبهادر: پدر طغرا و سرکرده‌ی مغولان که تازه مسلمان شده.
 پهلوان محمد نجار: غیور و شیرمردی که تمامی اوباش شیراز نوچه اش هستند.
 آباقاخان: رقیب شمس که عاشق طغرا است.

شخصیت پردازی در این رمان‌ها بسیار ساده است و دقیقاً مانند رمان‌های اولیه‌ی اروپا، قهرمان‌های رمان از شخصیت‌های (flat) فلت برخوردارند که انسان‌هایی تک بعدی اند، یا خوب خوبند یا بد بد و این با آن چه که امروزه در شخصیت پردازی رمان با آن مواجهیم، کاملاً متفاوت است. در رمان نو، ما با شخصیت‌هایی طرف هستیم که کاملاً پیچیده و چند بعدی هستند و تئوری داستان نویسی غرب با عنوان شخصیت‌های (Round) از آن یاد می‌کند. البته شمس و طغرا در دورانی نگاشته شده که نه جویس، جریان سیال ذهن را وارد رمان کرد و نه دیگر نویسندگان نسل بعد، ضدقهرمان‌ها و ضد رمان‌ها را آفریدند.

آکسیون (action) و طرح و توطئه در رمان:

رمان شمس و طغرا روایتی خطی دارد. طرح و توطئه کاملاً ساده است و خواننده می‌تواند گره‌گشایی داستان را حدس بزند. از تکنیک‌های داستان در داستان، اتوبیوگرافی نویسی، نماد گرایی و فرمالیسم که از دستاوردهای بعد از دهه‌ی ۶۰ اروپا بودند، در این اثر خبری نیست بلکه بیشتر آن چه مشهود است تأثیر پذیری نویسنده، شمس و طغرا است از رمان‌های تاریخی معاصر فرانسه.

نگاه راوی در داستان شمس و طغرا: هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی

همان طور که می‌دانیم داستان، کوشش نویسنده‌ای است که با به کارگیری تمام امکانات و پوشاندن ردای فریبندگی به اثر خود، می‌خواهد آن را به مخاطب عرضه نماید. راوی هم چون خالقی به ابداع شخصیت‌های مختلف دست می‌یازد و به روایت زندگی و رویدادهای آن‌ها می‌پردازد. او می‌تواند خود را در لباس گم‌نام‌ترین قهرمان اثر جابزند. «راوی گاه قبل از آغاز داستان خود را نشان می‌دهد، گاه در حاشیه‌ی داستان یا در جریان آن، نکات مورد نظر خود را توضیح می‌دهد.» (بالایی، ۱۳۷۷: ۴۷۳) گاهی محتاطانه خود را به خواننده‌ی اثر نزدیک می‌کند یا مدارک، نقل قول و حتی نقل مستقیم بیت، مصراع یا قطعه‌ای را به نثر در لابه لای کلام خود و جهت برانگیختن اعتماد بیشتر مخاطب، به دست می‌دهد.

حضور راوی در شمس و طغرا به دو گونه است: ۱- صرفاً مورخ ۲- داستان سرا و رمان‌نویس
 یکی از ضعف‌های تکنیکی در برخی از قسمت‌های رمان شمس و طغرا، حضور راوی سوم شخص در پاره‌ای از صحنه‌های داستان و سخن گفتن او با خواننده است که امروزه کاربردی ندارد.

چند آوایی در متن یا میان متنی:

شمس و طغرا با تمام کاستی‌هایی که به عنوان اولین رمان تاریخی با خود حمل می‌کند، در ارتباط با عنصر چندآوایی بسیار موفق عمل نموده و از چنان غنا و پرمایگی برخوردار است که نمی‌توان آن را تنها به بازی آوایی

رمان فروکاست. علاوه بر نقل قول‌های مستقیم و گفتگو، خسروی با هوشیاری و ظرافت هرگونه سند محتومی را که برغناهی آواهای چندگانه بیفزاید، در رمان خود می‌گنجاند. نقل قول، قطعاتی از متون کلاسیک فارسی، تلگراف‌ها و ذکر داستان‌ها در جای جای این رمان به چشم می‌خورد. «سه جلد رمان حاوی ذخائری از تک بیت‌ها یا قطعات منتخب‌اند. در دو جلد اولی یک دوجین و در جلد سوم دو برابر آن وجود دارد. گویی نویسنده به کمک این تزئینات می‌کوشد تا سستی و ضعف متنی را که رو به تحلیل می‌رود، جبران نماید.» (همان، ۴۹۴)

کاربرد انواع نامه نیز در رمان شمس و طغرا جایگاه خاصی دارد. همان طور که می‌دانیم در ادبیات کلاسیک و داستان‌های سنتی، نامه فقط وسیله‌ای است برای انتقال اطلاعات اما در رمان‌های جدید که بهره‌ی فراوانی از رمان اروپایی برده‌اند، «نامه دست مایه‌ی خود داستان را تشکیل می‌دهد و گاهی جای مهمی را در آن اشغال می‌کند.» (همان، ۴۹۷)

نتیجه‌گیری:

ادبیات غنی و کهن فارسی به انواع صورت‌های داستانی افسانه، تمثیل، اسطوره و حکایت آمیخته است اما داستان نویسی جدید ایران، ادامه‌ی طبیعی و منطقی این ادبیات نیست و شکل‌گیری قالب جدید رمان، مرهون انقلاب مشروطه است. می‌توان تحولات تاریخی دوران رمان را خلاصه وار چنین نشانه‌هایی دانست:

تحولات تاریخی: انقلاب مشروطه، جنگ‌های ایران و روس، رقابت انگلیس و روس داخل خاک ایران که منجر به تأسیس بانک می‌گردد. سفر ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه به غرب. فرستادن اولین سفیر ایران به غرب و رفتار عجیبی که در نتیجه‌ی حیرت مشاهداتش از خود بروز می‌دهد.

تحولات اقتصادی: رشد طبقه‌ی بازرگانان و مسافرت و رفت و آمد آن‌ها به غرب.

جابه‌جایی طبقاتی: مانند روستائینی که ثروتمند شده و به شهر مهاجرت می‌کنند یا تاجران که به لحاظ اقتصادی رشد می‌کنند و به یک طبقه‌ی بالاتر وصل می‌شوند.

ارتباط با غرب: اعزام دانشجو به غرب و تأسیس فراموش خانه‌ها.

روابط بین گروه‌های اجتماعی: تأسیس دارالفنون، تأسیس اولین روزنامه‌ی ایران به نام کاغذ اخبار، گرایش طبقه‌ی روحانی به دو جناح: ۱- گروهی از روحانیت که با فرمان مشروطه موافق نیستند و با اعدام شیخ فضل الله، شکست خوردند.

۲- گروه دیگری از روحانیت که همراه با بازرگانان و طبقه‌ی متوسط، طرفدار تجدّد در ایران بودند و پیروز می‌شوند.

همچنین باید به نقش کشور عثمانی توجه نمود که تأثیر فراوانی بر روشنفکران عصر ناصری که ساکن آن جا بودند، گذاشت.

زمینه‌های اجتماعی همراه با نفوذ چهار طبقه‌ی درگیر:

روحانیت: تنباکو را تحریم کرد و نقش گسترده‌ای در نهضت مشروطه داشت.

دربار: موافقت مظفرالدین شاه با مشروطه و مخالفت محمد علی شاه و نقش درباریان در مخالفت با تصویب قانون مشروطه.

طبقه‌ی تحصیل کرده و فرنگ رفته: به عنوان مثال، شخصیتی مثل ملکم خان برای قانع نمودن اقشار سنتی ادعا می‌کند که هیچ یک از قوانین غرب با مذهب ما مغایرت ندارد.

بازرگانان و طبقه‌ی متوسط اجتماعی

می‌توان انقلاب مشروطه را حاصل تضاد و هم‌گرایی این چهار طبقه دانست.

غرب آن زمان نیز توسط نویسندگانی شروع به آفرینش رمان‌های تاریخی کرده بود که این آثار برای خواننده‌ی ایرانی جاذبه‌های خاص خود را داشت و مخاطبان وسیع تری را تحت تأثیر قرار می‌داد؛ به همین دلیل نویسنده‌ی ایرانی نیز به فکر افتاد شکل مونتاژ شده‌ای از رمان را به ایرانیان معرفی کند که هم هویت با شکوه گذشته اش را یادآور شده باشد و هم در قالب رمان که شکل جدیدی از روابط بود، دستی آزموده باشد. فن ترجمه از عوامل موثر در رشد آگاهی و تحول اندیشه‌ی ایرانیان در سال‌های قبل از مشروطه بود. پیش از انقلاب مشروطه، نویسندگان ایرانی نوشتن رمان به مفهوم امروزی را از طریق ترجمه‌ی رمان‌های غربی آموختند و نوشتن رمان‌هایی شبیه آن را آغاز نمودند. بیشترین تأثیر را رمان‌های فرانسوی (مانند رمان‌های الکساندر دوما) برجای گذاشتند.

زبانی که در دوران قاجار مورد استفاده‌ی دبیران قرار می‌گرفت، زبان مناسبی برای روایت رمان نبود؛ به همین دلیل زبانی که قائم مقام فراهانی در مکتوباتش به کار می‌بندد، نوعی مرحله‌ی گذار است از دوران قدیم به مرحله‌ی جدید نثر نویسی و پس از او، نویسندگانی هم چون میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا آقا تبریزی، میرزا آقاخان کرمانی، طالبوف تبریزی، میرزا ملکم خان و زین العابدین مراغه‌ای در نوشته‌های خود به صراحت ناتوانی زبان فارسی را در بیان اندیشه‌های تازه مورد انتقاد قرار دادند. کتاب حاجی بابای اصفهانی، جزو اولین آثار است که از زبان روایت و داستان برای انتقاد و اعتراض و به قصد ایجاد تحول استفاده می‌کند به نحوی که وارد حوزه‌ی ادبیات متعهد می‌گردد.

در عصر مشروطه، بیشترین رویکرد نویسندگان به رمان‌های تاریخی بود؛ چرا که از سویی نوعی باستان‌گرایی و روحیه‌ی کاوشگرانه در شناخت هویت گذشته میان آن‌ها حاکم بود و از سوی دیگر به دلیل اوضاع سیاسی، نوشتن رمان تاریخی خطر کمتری در برداشت.

طرح رمان‌های اولیه‌ی مشروطه و هم چنین شمس و طغرا، براساس یک رابطه‌ی ساده و علت و معلولی تشکیل می‌شود. شخصیت‌ها معمولاً تک بعدی (فلت felat) هستند. اکثر رمان‌ها سیر خطی دارند به گونه‌ای که ماجرا از یک تاریخ خاص، شروع و به یک تاریخ دیگر ختم می‌شود. از فلاش بک

(felash back) کمتر استفاده می‌گردد. تداخل زمانی ندارند. عنصر زمان، یک عنصر واضح و مشخص است. پایان بندی داستان با توجه به داده‌های داستان، نسبتاً قابل پیش بینی است. شخصیت‌ها، وقایع و تضادها نسبت به رمان‌های نو، از عمق کمتری برخوردارند. در رمان به هیچ وجه ما ظهور ضد قهرمان را نمی‌بینیم. قهرمان داستان، چهره‌ای ایده آلی و آرمانی دارد. وقایع داستانی پیچیده نیستند. نویسنده در این برهه از زمان معمولاً از نماد، اطلاعات علوم انسانی (روان شناسی، جامعه شناسی، مردم شناسی، فلسفه) استفاده نمی‌کند. ردپای اسطوره در اثر کاملاً ناخودآگاه است. نویسنده سعی می‌کند هنجارهای دوران معاصر خودش را با شخصیت‌های رمانش تحلیل کند حتی اگر داستان در زمان دیگری به وقوع بپیوندد. شمس و طغرا در میان رمان‌های تاریخ صدر مشروطه از نظر زبان و مضمون بی نظیر است. نویسنده در نگارش این رمان با پیروی از سبک نثر نویسان قدیم، مصرع یا بیت‌هایی را به مناسبت، در نثر خود گنجانده و به زیبایی اثر افزوده (عنصر چند آوایی) اما یکی از ضعف‌های تکنیکی در برخی از قسمت‌های رمان، حضور راوی سوم شخص در بعضی از صحنه‌ها و سخن گفتن او با خواننده است که امروزه کاربردی ندارد. با توجه به وضعیت سیاسی و اجتماعی و تحولاتی که بر اثر انقلاب مشروطه به وجود آمد، رمان شمس و طغرا، به صراحت اندیشه‌های آزادی خواهی و دموکراسی طلبی را که در پیدایش مشروطه نقش عمده‌ای داشتند، بیان می‌کند.

در رمان شمس و طغرا، برخی حوادث غیر منطقی جریان دارد. به عنوان مثال، با پایان ماجرای عشق شمس و طغرا، بلافاصله ماری ونیسی سر راه شمس قرار می‌گیرد و بدون هیچ مانعی ازدواج می‌کنند. یا هنگامی که خسروی از پرداختن شخصیتی فارغ می‌گردد به سادگی با یک مرگ ناگهانی آن‌ها را از داستان بیرون می‌کشد. با تمام این‌ها، اگر چه رویدادهای ناگهانی رمان، متعدد و ظاهراً بدون انسجام هستند اما ساختار کلی، واضح و روشن است.

بخش عمده‌ای از رمان که می‌توان گفت زیباترین قسمت‌های آن نیز هست، شامل تحلیل احساسات شمس و طغرا و ماری و آتش خاتون است؛ شاید هدف اصلی خسروی، پرداختن به روایت‌های عاشقانه‌ی کتاب است و هیچ دیدگاه جهان‌گرایی را در کتابش نگنجانده و تنها به عنصر سرگرمی توجه دارد. رمان از حیث بافت اجتماعی، معرف یک جامعه‌ی تاریک و خفقان‌آور است که بیگانگان مستبد برسر قدرت هستند اما ایرانیان فاضل و بزرگ زادگان پیرامون آنها قرار دارند. خسروی از روحیه‌ی بالای وطن پرستی برخوردار است و به گذشته‌ی پرافتخار ایرانی می‌نازد و در مقابل به دستگاه فاسد حکومتی که توسط بیگانگان نالایق اداره

می‌شود، نفرت عمیقی می‌ورزد. هم چنین وی در پرداختن به شخصیت قهرمانانش، کمی اغراق کرده، آن‌ها را همان طور که خود مدنظر دارد خلق می‌کند. «اصولاً هنر بزرگ نویسنده در همین تصویر اشخاص و اجتماعیات و بیان زندگی و صفات طبیعی و معنوی آنها است و شاید برای نخستین بار است که ما در رمان نوین ایرانی کسانی را با خصائل و حالات طبیعی می‌بینیم.» (آرین پور، ۱۳۵۰: ۲۴۸)

خسروی هرچاکه روند داستان اجازه می‌دهد، شرح مفیدی از تاریخ و جغرافیای شهرهای ایران یا کشورهای که به داستان ربط پیدا می‌کنند را به دست می‌دهد. هم چنین اطلاعات کاملی از اخلاق، عادات، پوشش ایرانیان و مغول‌ها، تشریفات درباری و آداب و رسوم، مسابقات مختلف مانند اسب سواری و...، مراسم شادمانی و سوگواری و صفات نیک و بد ارائه می‌دهد. در جایی از داستان هم با زیرکی تمام از زبان شمس و ماری به بیان مشخصه‌های یک حکومت آزاد مدار می‌پردازد. اما گاهی لحن شوخ نویسنده به رنگ هزل و ابتذال کشیده می‌شود و برخی محاوره‌های ردّ و بدل شده بین قهرمانان، از ارزش اثر به میزان قابل توجهی می‌کاهد که خسروی خود «از اهل دانش و ادب معذرت می‌خواهد و امید عفو و اغماض دارد.» (میرعابدینی، ۱۳۷۷: ۳۲)

خسروی تعصب فراوانی به دین اسلام می‌ورزد و با تمام وجود آن را ستایش می‌کند و در عین حال، عادات ناپسندی را هم که بر اثر غرض ورزی به اسلام رسوخ کرده را نیز تأیید نمی‌کند.

گرچه خسروی در ساخت و پرداخت رمان شمس و طغرا می‌کوشد تا نوگویی داشته باشد اما با در نظر گرفتن تمام این تلاش‌ها، ناخواسته رمان او با افسانه‌های عاشقانه‌ی ایرانی پهلو می‌زند؛ البته ((نباید انتظار داشت که خسروی در این اثر ادبی که خود نخستین آزمایش در طرح یک داستان تاریخی به روال نویسندگان غرب است، بتواند رشته‌ی ارتباط خود را با سنن داستان نویسی قدیم به کلی گسسته و دفعتاً رستاخیزی در رمان نویسی پدید آورد و همین حد کافی است که او اولین قدم را برداشته.)) (آرین پور، ۱۳۵۰: ۳۵)

عشق اگرچه موضوعی انسانی است و تمامی اقوام بشر به نحوی با آن درگیر هستند اما پاره‌ای اقوام براساس شرایط زیست محیطی، فرهنگی و نژادی از زاویه‌ی دیگری به آن نگاه می‌کنند. کردها همواره از اقوامی بودند که بی‌اغراق در لحظه لحظه‌ی زندگی و در پست و بلند روزگار که اسطوره آغازش را به دوران ضحاک می‌کشاند، همواره عشق را تقدیس کرده اند. تنها نگاهی به اشعار و ترانه‌های کردی، ثابت می‌کند که هیچ اغراقی در ادعای فوق راه به جایی نمی‌برد؛ بنابراین شاید این تقدیر اولین رمان تاریخی و عاشقانه‌ی ایران باشد که به دست نویسنده‌ای از تبار کردهای ایران نگاشته شده که عشق و نگاه خیامی به جهان، همواره یکی از بنیان‌های فکری و فرهنگی شان بوده است. بدین ترتیب، شمس و طغرا را می‌توان رمان عاشقانه‌ای دانست که با شور و عشق ورزی کردی نوشته شده حتی اگر میراث این عشق کهن در قالب ماجرای در شهر شیراز پرداخته شود.

فهرست منابع:

- ۱- آجودانی، ماشاءالله (۱۳۸۳) *مشروطه‌ی ایرانی*. تهران - نشر اختران. چاپ پنجم
- ۲- آرین پور، یحیی (۱۳۵۰) *از صبا تا نیما*. جلد دوم. تهران - انتشارات جیبی. چاپ پنجم
- ۳- بالایی، کریستف (۱۳۷۷) *پیدایش رمان فارسی*. ترجمه مهوش قویمی و نسرين خطاط. تهران انتشارات معین. چاپ اول
- ۴- خانلری، پرویز (۱۳۴۶) *نخستین کنگره‌ی نویسندگان ایران*. تهران. موسسه روابط فرهنگی ایران و شوروی.

- ۵- خسروی کرمانشاهی، محمدباقر (۱۳۸۵) *شمس و طغرا* (به کوشش رشید یاسمی) - تهران. نشر هرمس. چاپ اول
- ۶- رزم جو، حسین (۱۳۷۰) *انواع ادبی*. انتشارات آستان قدس رضوی. چاپ اول
- ۷- ستاری، جلال (۱۳۸۵) *در بی‌دولتی فرهنگ: نگاهی به برخی از فعالیت‌های فرهنگی و هنری در باز پسین سال‌های نظام پیشین*. چاپ دوم. تهران- نشر مرکز
- ۸- شمیسا، سیروس (۱۳۷۷) *سبک شناسی- نثر*. تهران. نشر میترا- چاپ ششم
- ۹- طباطبایی، سیدجواد (۱۳۸۵) *تأملی درباره‌ی ایران، مکتب تبریز و مقدمات تجدد خواهی*. تهران- انتشارات ستوده. چاپ اول
- ۱۰- میرعابدینی، حسن (۱۳۷۷) *صد سال داستان‌نویسی ایران*. تهران - نشر چشمه - چاپ اول



دانشگاه هرمزگان



انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی

هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی

www.anjomanfarsi.ir